

کتاب کاذبه

توبیت کتاب مقدس شاه جیمز 1611

www.Scriptural-Truth.com

توبیت

کتاب توبیت

{1:1} کتاب کلمات توبیت پسر Tobiel ،

پسر Ananiel پسر Aduel پسر Gabael ، از

دانه Asael از قبیله; Nephthali

{1:2} که در زمان Enemessar پادشاه آشوری

شد اسیر سرب از Thisbe است که در دست راست

این شهر که در درستی Nephthali جلیل

بالا معاصر یاسین.

{1:3} من توبیت قدم تمام روزهای زندگی من در

راه حق و عدالت، و من بسیاری از almsdeeds به من

برادران و قوم من که آمد با من به Nineve ، به

زمین آشوری.

{1:4} و زمانی که من بود در معدن کشور خود در سرزمین

اما جوان بودن اسرائیل تمام قبیله Nephthali پدرم

سقوط از خانه بیت المقدس است که از انتخاب شد

تمام قبایل اسرائیل است که باید تمام قبایل قربانی

وجود دارد، که در آن معبد زندگی از بالا ترین

وقف و برای تمام سنین ساخته شده بود.

{1:5} حالا تمام قبیله که با هم شورش را بگیرد، و

خانه پدرم Nephthali ، قربانی نزد heifer

بعل.

{1:6} اما من تنهایی اغلب به اورشلیم در feasts ، پیش رفت

نزد همه مردم اسرائیل توسط مقرر شد

حکم ابدی داشتن firstfruits و دهم

افزایش با آن که اول shorn بود؛ و آنها را داد به من در

محراب به کشیش فرزندان هارون.

{1:7} بخش دهم اول از همه افزایش دادم به فرزندان

از هارون که در اورشلیم ministered: دیگری دهم قسمت اول

دور، به فروش می رسد و رفت و آن هر سال در اورشلیم به سر برد:

{1:8} و سوم ایشان بود به آنها دادم

آشنایی با عنوان Debora مادر من پدر من فرمان بود،

چون من یتیم توسط پدرم مانده بود.

{1:9} علاوه بر این، هنگامی که من به سن مرد آمده بود،

من ازدواج آنا معدن خویشاوندی خود و از خود من اجران

توبیاس.

{1:10} و زمانی که ما انجام دور اسیران به

Nineve برادران من و کسانی که از قوم و خویشی من

خوردن نان امتها.

{1:11} اما من خودم را از خوردن؛ نگه داشته

{1:12} چون من یاد خدا را با تمام قلب من.

{1:13} و بیشتر بالا من فضل و نفع

قبل از Enemessar, که اذوقه رسان خود بودم.

{1:14} و من به رسانه ها رفت و در اعتماد با

Gabael، برادر Gabrias در هند یک شهر رسانه ده

استعدادهای نقره.

{1:15} که Enemessar بود در حال حاضر مرده، سناخریب او

پسر را در خود جا حاکم بود؛ املاک که مشکل بود، که من

می تواند به رسانه.

{1:16} و در زمان Enemessar بسیاری از صدقه به دادم

برادران من و داد من نان به گرسنه،

{1:17} و من لباس را برهنه: و اگر هر یک از دیدم

ملت مرده من، و یا بازیگران مورد دیوارهای Nineve، من به خاک سپرده شد

او.

{1:18} و اگر سناخریب پادشاه را ذبح کرده هر یک، هنگامی که

او آمده بود، و فرار از کرانه، من آنها را دفن; privily برای

در او خشم او چندین؛ اما اجساد یافت شد

زمانی که آنها برای پادشاه دنبال شد.

{1:19} و هنگامی که یکی از Ninevites رفت و

شکایت از من به شاه، که من آنها را به خاک سپرده شد، و مخفی

خودم؛ درک که من بود برای قرار دادن به دنبال

مرگ، من خودم برای ترس بود، رفت.

{1:20} پس همه محصولات من زور دور شد

نه وجود هر چیز در سمت چپ من، در کنار همسرم آنا بود؟

و پسر Tobias.

{1:21} و وجود نه پنج و پنجاه روز قبل از گذشت

دو تا از پسرانش او را کشته و آنها را به کوه ها گریخت

از Ararath; و Sarchedonus پسرش را در خود جا حاکم بود.

که بر روی حساب خود را پدر و بیش از همه خود را منصوب

امور Achiacharus پسر برادرم. Anaël.

{1:22} و Achiacharus intreating برای من، من را به بازگشت

Nineve. حالا Achiacharus تهمت و نگهبان است

انگشتی خاتم دار، و مباشر و ناظر حساب: و

Sarchedonus منصوب او بعدی او: و او شد من

پسر برادر.

{2:1} حالا وقتی من آمده بود خانه دوباره و همسر

آنا بود ترمیم مرا با پسر Tobias، در

جشن عید پنجاهه است جشن مقدس هفت

هفته، بود شام خوب آماده من، که در آن من
نشستم به خوردن.

{2:2} هنگامی که فراوانی گوشت را دیدم گفتم برای من
پسر رفتن و چه مرد فقیر را عطا تو نباید به پیدا کردن
ما برادران، که متوجه خداوند است؛ و در حقیقت، من tarry
برای تو.

{2:3} اما دوباره آمد و گفت: پدر یکی از ما
ملت کردن است و در بازار ریخته است.

{2:4} قبل از من تا به حال خوردم هر گوشت، سپس شروع کردم،
و در زمان او به اتاق تا رفتن پایین خورشید.

{2:5} و سپس من بازگشت، و خودم را شسته، و خوردن من
گوشت در سنگینی

{2:6} بیاد که نبوت آموس، به او گفت،

Feasts شما باید تبدیل به عزاداری و همه خود را
نشاط به دریغ.

بنابراین {2:7} من wept: و پس از رفتن را از

خورشید من رفت و قبر ساخته شده، و او به خاک سپرده شد.

{2:8} اما همسایه من تمسخر به من و گفت: این مرد

نه ترس مرگ برای این موضوع قرار داده است: که فرار کرد

دور؛ و با این حال، حقیقت، او مرده دوباره. burieth.

{2:9} همان شب نیز من بازگشت از مراسم تدفین، و خواب توسط دیوار حیاط من هست و من صورت کشف شد:

{2:10} و نمی دانستم که گنجشکها در وجود داشت دیوار و معدن چشم باز بودن، گنجشکها گرم خاموش کود به چشم معدن و سفیدی در چشم معدن آمد: و پزشکان رفتم اما آنها به من کمک کرد نه:

توبیت صفحه 560

تا من رفتم به علاوه بر این Achiacharus من، تغذیه بود Elymais.

{2:11} و همسر من را به آثار زنان به انجام.

{2:12} و هنگامی که او آنها را خانه به صاحبان فرستاده بود آنها پرداخت دستمزد خود و داد او همچنین علاوه بر بچه.

{2:13} و هنگامی که آن را در خانه من بود و شروع به گریه کردن من

گفت: نزد او، از whence این بچه است؟ آن سرقت است؟

این ارائه به صاحبان; برای آن است به خوردن هر چیزی که قانونی نیست که به سرقت رفته است.

{2:14} اما او پاسخ داد: من، پس از آن برای هدیه داده شد

بیشتر از دستمزد. باوجود من او اعتقاد نداشت اما

او آن را به صاحبان رندر: bade و من در او abashed بود.

اما او پاسخ داد: پس از من، جایی که تو صدقه است و تو اعمال صالح است؟ ببین، تو و تمام آثار شناخته شده است.
{3:1} پس من غصه دار در حال گریه کردن بود و در غم و اندوه من
گفت: دعا،

{3:2} ای خداوند هنر تو فقط، و تمام آثار تو و همه تو
راه رحمت و حقیقت دارند و تو judgest واقعا و عادلانه
تا ابد.

{3:3} به خاطر من و نگاه من، من نه برای مجازات
گناهان من و ignorances و گناهان پدران mg که
قبل از تو گناه کرده اند:

{3:4} برای آنها نمی فرمان تو را اطاعت: پس
تو مالک ما تحویل برای از بین بردن و نزد اسارت، و
مرگ و برای ضرب المثل سرزنش همه ملت
میان آنها ما پراکنده هستند.

{3:5} و در حال حاضر تو قضاوت درست و بسیاری از: مقابله
با من با توجه به گناهان من و پدران من: دلیل ما
است نه فرمان تو را نگه داشته، نه در راه می
حقیقت در برابر تو.

{3:6} هم اکنون معامله بنابراین با من به عنوان بهترین جزء موت
تو و فرمان روح من از من گرفته می شود که من

ممکن است حل شده و تبدیل به زمین: سودآور برای است
من به جای به زندگی می کنند، چرا که من شنیده ام غلط
reproaches و اندوه بسیار است: بنابراین که فرمان
من در حال حاضر ممکن است از این زجر تحویل داده و رفتن به
محل ابدی: نه تو از من دور بگردان.

آمد آن {3:7} به همان روز که Ecbatane در شهر
از رسانه سارا دختر Raguel نیز reproached است
توسط پدرش یکنواخت;

{3:8} زیرا که او به هفت ازدواج شده بود

شوهران آنها روح شیطانی بود کشته، قبل از Asmodeus
آنها تا به حال با او. Iain تو نمی دانم دوست گفت: آنها، که
تو مالک شوهران خود خفه کنید؟ تو قبلا مالک
شوهران هفت نه تو را پس از هر یک از آنها نام زباله.

{3:9} پس تو دوست ما را برای آنها ضرب؟ اگر آنها باشد
مرده، تو راه رفتن بعد از آنها، ما هرگز از تو هم
پسر یا دختر.

{3:10} که او این چیزها شنیده بود او بسیار

sorrowful، که او تصور خودش خفه شده؛ و

گفت من تنها دختر از پدر من، و اگر من

این، آن باید به سرزنش او و من باید قدیمی خود را

سن با اندوه نزد قبر.

{3:11} او دعا به سمت پنجره و گفت:

خوشا به حال تو، ای خداوند خدای من و تو مقدس هنر و
نام با شکوه است خجسته و شرافتمندانه برای همیشه: اجازه دهید همه تو
آثار تو برای همیشه ستایش.

{3:12} و در حال حاضر، ای خداوند من مجموعه من چشم و صورت من معدن
به سوی تو

{3:13} و گفت، من را از زمین که ممکن است صدای
بیشتر سرزنش.

{3:14} تو knowest که من از همه گناه خالص دهی
با مرد

{3:15} و که من هرگز نام من، و نه نام آلوده

پدرم در سرزمین من اسارت: من تنها

دختر از پدر من نه آنچه او هر کودک به او

وارث، نه هر نزدیکی عشیره در یک تماس، و نه هر پسر خود را زنده به

که من خودم را برای همسر حفظ ممکن است: حال من شوهر هفت

در حال حاضر مرده؛ و چرا من باید زندگی کنم؟ اما اگر آن لطفا نه تو

فرماندهی برخی از توجه به من بود که من باید بمیرد،

و حیف از من که صدای گیرند نه بیشتر.

{3:16} پس از نماز آنها را در هر دو قبل از شنیده شد

عظمت خدای بزرگ.

{3:17} رافائل و ارسال به آنها را در هر دو، درمان است که به

دور مقیاس سفیدی چشم توبیت است و به سارا

دختر Raguel زن Tobias پسر توبیت;

و اتصال Asmodeus روح شیطان. از آنجا که به او تعلق دارد

به Tobias توسط حق ارث. زمان selfsame

توبیت خانه و وارد شده به خانه اش و سارا

دختر Raguel از اتاق خود بالا آمد.

{4:1} در آن روز یاد توبیت پول که او

به Gabael در هند رسانه ها مرتکب می شد

{4:2} و با خودش گفت: من برای مرگ؛ آرزو

پس من برای پسرم توبیاس که من معنی ممکن است تماس انجام

به او پول قبل از مرگ من

{4:3} و زمانی که او بود به نام او، او گفت، پسرم، وقتی

من مرده ام، من دفن؛ و حقیر شمردن نیست تو مادر اما افتخار

او تمام روزهای حیات تو و این است که لطفا باید کار

او، و نه خود سرند.

{4:4} به خاطر پسرم که او را دیدم بسیاری از خطرات برای

تو که تو را در رحم او زباله: و هنگامی که او مرده؟

او من را در یک قبر دفن.

{4:5} پسر من باشد از یهوه خدای همه متوجه تو روز، و نه تو را به گناه یا transgress او تعیین شود فرمان uprightly: تمام زندگی تو طولانی انجام و پیگیری نه راه ناراستی.

{4:6} اگر تو واقعا مقابله، برای تو doings باید prosperously به تو و به همه آنها که زنده عادلانه را موفق شوند.

{4:7} صدقه دادن تو ماده؛ و هنگامی که تو نیاوردهای؟ صدقه، اجازه نمی تو از چشم حسود است، نه تو از بگردان هر ضعیف و رو خدا باید دور از تبدیل نمی شود تو.

{4:8} اگر تو وفور صدقه می دهد بر این اساس مالک: اگر تو است اما یک کمی ترس را با توجه به آن نباشد کمی:

{4:9} Layest برای تو تا گنج خوب برای خودت روز ضرورت.

صفحه 561 توبیت

{4:10} زیرا که صدقه از مرگ، ارائه و

suffereth به تاریکی است.

{4:11} صدقه است هدیه خوب آنچه که آن را در

دید از بالا ترین.

{4:12} مراقب باشید از تمام whoredom ، پسر، و مخصوصا را

همسر بذر تو پدران و نه عجیب را

زن به زن که نه پدر تو قبيله: برای ما

فرزندان پیامبران نه، ابراهیم، اسحاق، و

یعقوب: یاد پسر من که پدران ما را از

ابتدا، حتی که همه آنها ازدواج خود را همسر

قوم و خویشی، و در فرزندان و دانه آنها را پر برکت،

باید زمین را ارث می برند.

{4:13} حالا بنابراین، پسر، تو ای عشق و

نفرت در قلب تو نیست تو ای شاهد و ایثارگر

مردم تو در نه همسرش را از آنها: در پراید

تخریب و بسیار مشکل و در lewdness فروپاشی است و

می خواهم بزرگ: برای lewdness مادر قحطی است.

{4:14} اجازه دستمزد هر مردی که به هر شکل درآورده شده

برای تو tarry با تو اما او آن را از دست: اگر

تو خدمت به خدا، او نیز تو را بازپرداخت خواهد کرد: هوشیار باشد من

پسر در همه چیز تو خدایت، و در همه تو

مکالمه.

{4:15} آیا که به هیچ مردی که تو hatest نوشیدنی نیست

شراب تو مست را: نه مستی برو با اجازه

تو در تو سفر.

{4:16} را تو نان برای گرسنه و از تو

لباس برای آنها که برهنه؛ و با توجه به thine

فراوانی صدقه دادن: و نه تو از چشم حسود، باشد

وقتی که تو صدقه نیاورده‌ای؟.

{4:17} پور از تو نان در دفن اما فقط،

هیچ چیز را به ستمکاران.

{4:18} درخواست وکیلی که عاقلانه است و نه نفرت

هر وکیل که سودآور است.

{4:19} پروردگار تو خدا به برکت همیشه و میل او

که راه تو کارگردانی ممکن است، و که تمام مسیرهای تو و

مشاوره ممکن است رستگار: برای هر ملت کرد، نه وکیل؛ ولی

خدا خودش بخشد همه و humbleth او

آنها به او، خواهد شد؛ که او خواهد شد حال پس به یاد پسر من

من فرمان نه اجازه دهید آنها را از فکر خود قرار داده است.

{4:20} و حالا من این را به آنها که من مرتکب ده دلالت

استعدادها به Gabael پسر Gabrias در هند در رسانه ها.

{4:21} و ترس نیست، پسر من که ما ضعیف ساخته شده است: برای

اگر تو خدا ترس و از همه ترک تو مالک ثروت زیاد

گناه و انجام آن است که در چشم او خشنود.

Tobias {5:1} سپس پاسخ داد و گفت: پدر من همه انجام خواهد شد

چیزهایی که تو به من فرمان مالک:

{5:2} اما چگونه می تواند من دریافت پول دیدن من می دانم
او نمی شود؟

{5:3} سپس او دست خط داد و گفت،

او دنبال تو مرد ممکن است که با تو whiles من هنوز
زندگی می کنند، و من به او دستمزد می دهد: و برو و دریافت
پول.

{5:4} بنابراین زمانی که او به دنبال مرد رفت، او در بر داشت
رافائل فرشته بود.

{5:5} اما او نمی دانست؛ او گفت، تو را بنویسید

با من به شدت می گیرد برود؟ و آزادت آن مکان خوبی است؟

{5:6} به آنها گفت: فرشته من می خواهد با تو و من

می دانم که راه خوب: برای من با برادر ما تسلیم است

Gabael.

Tobias {5:7} سپس گفت: نزد او، Tarry برای من تا بگویم

پدر من.

{5:8} و سپس او گفت، برو و tarry نیست. بنابراین او رفت

در و گفت: به پدرش بنگر، من یکی را پیدا کرده اند که

با من خواهد بود. سپس به او گفت، او را نزد من که من ممکن است تماس بگیرد

می دانم از چه قبيله او است و اینکه آیا او می مرد قابل اعتماد به

برو با تو.

{5:9} پس از او به نام او و او در آمد و آنها را saluted

یکی دیگر.

{5:10} پس توبیت گفت، برادر، اجابت از من

چه قبیله و خانواده تو.

{5:11} به آنها گفت که دنبال دوست برای قبیله یا

خانواده یا مرد استخدام با تو پسر؟ سپس گفت: توبیت

او، می دانم، برادر تو قوم و خویشی و نام.

{5:12} سپس او گفت: من Azarias پسر Ananias

بزرگ، و برادران تو.

{5:13} سپس توبیت گفت: هنر تو خوش آمدید، برادر؛ شود

اکنون خشم با من، چون من به enquired است

تو قبیله و خانواده تو؛ برای هنر تو برادر من از

سهام صادق و خوب: برای من حناتیا و Jonathas،

فرزندان آن Samaias بزرگ که ما با هم رفتیم به اورشلیم

به عبادت، و ارائه نخستزاده ارتباط و دهم

میوه ها؛ و آنها با خطا از اغوا شد ما

برادران: هنر من برادر تو از سهام خوب.

{5:14} بگوید اما من، چه دستمزد من تو را باید؟ خم شدن

تو drachm خود روز و وسایل ضروری. به معدن

پسر؟

{5:15} بله، علاوه بر این، اگر شما امن، من اضافه کنید چیزی به تو دستمزد.

{5:16} تا آنها هم خوشحال بودند. سپس گفت: او به Tobias خودت را برای سفر آماده و خدا به شما ارسال خوب سفر. و هنگامی که پسر او آماده بود همه چیز دور سفر، پدرش گفت، تو را با این مرد و خدا بروید، که ساکن در بهشت، رستگار سفر خود را و فرشته خدا نگه داشتن شما شرکت. آنها جلو رفتم هر دو، و مرد جوان سگ با آنها.

{5:17} اما آنا مادرش wept و گفته توبیت، چرا تو پسر ما دور فرستاد؟ او کارکنان دست ما نیست، در در داخل و خارج رفتن را قبل از ما؟

{5:18} حریص پول به پول اضافه شود: اما بگذار باشد به عنوان رد رابطه با فرزند ما است.

{5:19} که خداوند ما را به زندگی با داده خستگان ما doth کافی است.

{5:20} توبیت به او گفت، بدون مراقبت و خواهر من را؛ او بازگشت در ایمنی و چشم تو او را می خواهد.

{5:21} برای فرشته خوب حفظ او شرکت و

سفر خود را مرفه است و او باید بی خطر بازگشت.

توبیت صفحه 562

{5:22} سپس او ساخته شده پایان گریستن.

{6:1} و که آنها رفت و در سفر خود را، آنها آمد

شب به رودخانه دجله و آنها وجود تسلیم.

{6:2} و زمانی که مرد جوان رفت به شستن

خود، ماهی از رودخانه پریدم و را

او می بلعیدم.

{6:3} و سپس گفت: فرشته نزد او ماهی کنند و.

مرد جوان گذاشته ماهی نگه دارید و آن را به زمین کشید.

{6:4} به آنها گفت: فرشته ماهی را باز کرده و را

قلب و کبد و صفرا، و آنها را قرار داده تا با خیال راحت.

{6:5} پس مرد جوان به عنوان فرشته به فرمان او؛

و زمانی که آنها تا به حال ماهی سرخ شده، آنها آن را نخورید: سپس آنها

تا آنها را نزدیک به Ecbatane کشید هر دو را در راه خود رفت.

{6:6} مرد جوان را به فرشته برادر گفت:

است Azarias، به چه استفاده قلب و کبد و دختر از

ماهی است؟

{6:7} و او گفت، دست زدن قلب و

کبد، اگر شیطان یا روح شیطان وجود، مشکل ما بایستی

دود آن قبل از مرد یا زن و حزب
vexed بیشتر خواهد بود.

{6:8} به عنوان برای صفرا، آن را روغن مالی کردن بدن انسان است که آنچه
خوب است

سفیدی در چشم او، و او باید شفا داده.

{6:9} و زمانی که آنها آمده بودند نزدیک به قوی

{6:10} فرشته به مرد جوان برادر، به روز گفت:

ما با Raguel که پسر عموی تو تسلیم؛ او همچنین خستگان

يك دختر تنها به نام سارا؛ من صحبت برای او، که او

تو ممکن است برای زن داده است.

{6:11} برای به تو doth حق خود appertain دیدن

تو تنها هنر او قوم و خویشی.

{6:12} و خدمتکار عادلانه و عاقلانه: شنیدن نتیجه

من و من به پدرش صحبت؛ و هنگامی که ما از بازگشت

ما جشن ازدواج می رسد: برای من که می دانم

Raguel نمی تواند او را به دیگری با توجه به قانون از ازدواج

موسی، اما او باید از مرگ، چرا که حق

وراثت است که نه به تو از هر appertain می doth.

{6:13} سپس مرد جوان پاسخ داد: فرشته، من

شنیده ام برادر Azarias که این خدمتکار به داده شده خستگان

هفت مرد، که در اتاق ازدواج.

{6:14} تنها پسر پدرم هستم و من

ترس، اگر من رفتن نزد او، مبادا مرگ من به عنوان دیگر قبل از: برای روح شریر که hurteth بدن هیچ اما کسانی که محبت او که نزد او می آیند; مبادا مرگ من، پس من نیز از ترس و پدر من و مادر من زندگی را به خاطر من به قبر با غم و اندوه: برای آنها هیچ پسر دیگر به شکلی است.

{6:15} سپس گفت فرشته نزد او، دوست تو نیست

تعالیم که پدر تو داد تو را به یاد داشته باشید که تو shouldest ازدواج با همسر خود تو قوم و خویشی? پس من ای برادر من شنیدن; برای او تو باید با توجه به همسر; و تو را هیچ حساب روح شیطان. برای همین این شب او تو در ازدواج داده خواهد شد.

{6:16} و هنگامی که تو نباید به ازدواج آمده

اتاق، تو خاکستر عطر را نباید و نباید غیر روحانی آنها برخی از قلب و کبد ماهی، و نباید می دود با آن:

{6:17} و شیطان باید بوی آن، و فرار دور، و

هرگز آمده دوباره هر بیشتر: اما زمانی که تو نباید آمدن او ظهور تا هر دو از شما و دعا به خدا که مهربان است، که خواهد شد حیف است شما و شما را نجات دهد: ترس برای او نیست،

تو از آغاز منصوب; و نباید تو

او را حفظ و او باید با تو رفتن. علاوه بر این من

فرض کنید که او را تو کودکان تحمل. حالا وقتی Tobias

این چیزها شنیده بود او را دوست و قلب او بود

فلسطینی به او پیوست.

{7:1} و آنها آمدند هنگامی که آنها به Ecbatane آمده بودند

به خانه Raguel و سارا آنها را ملاقات کرد: و بعد از آنها

یکی از دیگری saluted بود او آنها را به خانه آورده.

{7:2} و سپس گفته Raguel ادنا همسر او چگونه مانند این است

مرد جوان به توبیت پسر عموی من!

{7:3} و Raguel آنها را، از whence هستند شما پرسیده می شود،

برادران؟ به آنها گفتند ما از فرزندان هستند

Nephtalim که اسیران در Nineve.

{7:4} سپس فرمود به آنان آنچه دانم توبیت ما

عشیره در یک تماس؟ و گفتند: ما او را می دانم. سپس گفت: او، او

در سلامت خوب است؟

{7:5} و گفتند: او هر دو زنده و در سلامت خوب است:

و گفت: توبیاس او پدر من است.

Raguel {7:6} سپس، پریدم و او را بوسید و wept ،

{7:7} پر برکت او و گفت: نزد او، تو

پسر انسان صادق و خوب. اما زمانی که او که شنیده بود

توبیت نابینا بود، او sorrowful و wept.

{7:8} و به همین ترتیب ادنا همسر و دخترش سارا

wept. علاوه بر این آنها آنها را خوش سرگرم و پس از

که آنها قوچ گله را کشته بودند، آنها مجموعه فروشگاه گوشت

در جدول. سپس گفت: توبیاس به رافائل Azarias برادر

صحبت از آن چیزهایی است که تو را در راه صحبت didst

و اجازه دهید این کسب و کار فرستاده می شود.

{7:9} تا او ابلاغ امر به Raguel و

Raguel گفت: توبیاس خوردن و نوشیدن و را:

{7:10} برای این دیدار با تو shouldst ازدواج من

دختر: با این وجود من تو حقیقت اعلام خواهد شد.

{7:11} من دخترم را در ازدواج داده اند ته هفت

مردان که آن شب آنها در نزد او آمد:

با این وجود برای زمان حال مبارک باشد. اما توبیاس گفت، من خواهد شد

هیچ چیز اینجا، خوردن تا ما به توافق برسند و یکی به دیگری قسم می خورم.

Raguel {7:12} گفت، سپس گرفتن او از پس

با توجه به شیوه هنر تو خاله و او

thine، و خداوند رحمان به شما موفقیت خوبی در همه

همه چیز.

{7:13} سپس او به نام دخترش سارا و آمد او را
پدرش و او او را دست گرفت و داد او را به
زن به Tobias گفت، بنگر، او را پس از قانون
موسی و او دور منجر به تو پدر. و خوشا به حال او
آنها;

{7:14} و ادنا نام همسر خود و کاغذ در زمان، و بود
نوشتن سند پیمان، و آن را مهر و موم شده.
{7:15} آنها شروع به خوردن.

صفحه 563 توبیت

{7:16} پس از Raguel نام همسرش ادنا و گفت،
او خواهر آماده دیگر اتاق های او را در آنجا به ارمغان بیاورد.
{7:17} که زمانی که او انجام داده بود که او تا به حال او را bidden
او او را آورده بدانسوی wept: او و او دریافت کرد
اشک دختر او و گفت: نزد او،
{7:18} باشد خوب راحتی دخترم; ارباب
آسمان و زمین را تو شادی این غم و اندوه تو: باشد
خوب راحتی دخترم.

{8:1} و هنگامی که آنها را supped تا به حال آنها توبیاس
نزد او.

{8:2} و به عنوان او رفت، او را به یاد کلام

رافائل، زمان خاکستر عطر و قرار

قلب و کبد ماهی ان، و دود

بی درنگ.

{8:3} که بوی هنگامی که روح بد بوی بود،

او را به بیشترین نقاط مصر گریختند و محدود فرشته

او.

{8:4} و پس از آن آنها شد هر دو خاموش در هم،

توبیاس افزایش یافت، از تخت و گفت: خواهر، بوجود می آیند، و اجازه دهید

دعا کنید که خدا ترحم ما را داشته باشد.

{8:5} سپس شروع Tobias می گویند، پر برکت، ای خدا هنر تو

پدران ما و پر برکت است نام تو مقدس و با شکوه برای

آماتور آسمان نگهدار تو و همه موجودات تو اجازه دهید.

{8:6} تو madest آدم و gavest حوا همسر او

یاور و اقامت: آنها انسان آمد: تو مالک

گفت: خوب است که انسان باید به تنهایی نیست؛ اجازه دهید ما را

او کمک مانند نزد خود.

{8:7} و در حال حاضر، ای خداوند من این خواهر من برای سرسبز

اما uprightly: بنابراین شکر خدا مقدر که ما ممکن است

با هم سن تبدیل.

{8:8} و با او، آمین گفت.

{8:9} بنابراین آنها هر دو شب که خوابیدیم و Ragucl به وجود آمد، و رفت و قبر ساخته شده

{8:10} گفت من این ترس که مبادا او نیز مرده است.

{8:11} اما هنگامی که Ragucl به خانه اش آمده بود

{8:12} گفت: او را نزد همسرش ادنا یکی از خدمتکاران ارسال

و اجازه دهید ببینید که آیا او زنده است: اگر او نمی شود که ما ممکن است او را دفن کردند و هیچ مردی می دانم.

{8:13} تا خدمتکار در را باز کرد و رفت، و

آنها هر دو در خواب بر داشت،

{8:14} جلو آمد و به آنها گفت که او زنده بود.

{8:15} پس Ragucl خدا را ستود و گفت ای خدا تو

هنر ارزشمند با ستایش پاک و مقدس ستوده می شود;

بنابراین اجازه تو و اسپین ستایش تو را با تمام موجودات تو ;و

اجازه دهید همه فرشتگان تو و thine ستایش تو برای همیشه انتخاب کنند.

{8:16} هنر تو را ستوده باشد برای تو ساخته شده من مالک

شاد ;و که به من که من مشکوک آن آمده است ;ولی

تو با ما با توجه به رحمت تو بزرگ برخوردار مالک.

{8:17} هنر تو را به ستایش است چون تو مالک

رحمت دو که تنها مولود فرزندان خود

پدران: آنها رحمت، ای خداوند عطا و پایان زندگی خود را در

بهداشت و درمان با شادی و رحمت.

{8:18} سپس Raguel bade بندگان خود را به قبر را پر کنید.

{8:19} و او جشن عروسی چهارده روز نگه داشته.

{8:20} برای قبل از روز عقد تمام شد

Raguel گفت که او توسط سوگند که او نباید

ترک تا چهارده روز عقد منقضی شده بودند;

{8:21} و سپس او باید نیمی از محصولات خود را و

در ایمنی به پدرش برود; و باید به بقیه وقتی که من

و همسر مرده باشد.

{9:1} توبیاس سپس نام رافائل و گفت: نزد او،

{9:2} برادر Azarias را با تو بنده و دو

شتر، رفتن به هند رسانه ها به Gabael و من

پول، و او را به عروسی.

{9:3} برای Raguel سوگند یاد کرد، که من نمی خواهد ترک.

{9:4} اما پدرم روز; counteth و اگر من بلند tarry

او می خواهد بسیار متاسفم.

{9:5} رافائل پس رفت و با Gabael، تسلیم و

دست خط را به او است: که جلو آورده که کیف

تا مهر و موم شده بودند و آنها را به او داد.

{9:6} و در اوایل صبح که رفت جلو هر دو

با هم، و به عروسی آمد: و Tobias پر برکت خود را همسر.

{10:1} حالا توبیت پدرش هر روز شمارش: و هنگامی که روز سفر تمام شده بود و آنها نمی آمد

{10:2} توبیت سپس گفت: بازداشت می شوند؟ یا Gabaell

مرده و وجود هیچ مردی این است که او را به پول؟
{10:3} بنابراین او بسیار متاسفم.

{10:4} و سپس همسرش را نزد او گفت: پسر من مرده است

دیدن او بلند؛ stayeth و او شروع به ناله کردن او و گفت:

{10:5} در حال حاضر من برای هیچ چیز، پسر من مراقبت از من اجازه تو برو، نور چشم معدن.

{10:6} به آنها گفت: توبیت نگه تو صلح، بدون مراقبت برای او امن است.

{10:7} اما او گفت: تو صلح را نگه دارید و من نه فریب;

پسر من مرده است. و او هر روز بیرون به راه رفت

که رفت و آیا خوردن گوشت هیچ در طول روز، و

متوقف نیست کل شب به گریستن، پسرش Tobias، تا

چهارده روز عروسی تمام شده بودند، که Raguel

که او باید صرف وجود سوگند یاد کرده بود. سپس گفت: توبیاس به

Raguel، اجازه بدهید بروید، برای من نگاه مادر و پدرم هیچ

بیشتر به دیدن من.

{10:8} اما پدرش در قانون گفت: نزد او Tarry با من،

و من به تو پدر ارسال کنید، و آنها باید نزد او اعلام
چگونه رفتن چیزهایی با تو.

{10:9} اما توبیاس، گفتم نه؛ اما من به پدرم اجازه.

{10:10} پس Raguel به وجود آمد و همسر خود را به او سارا است

و نیم خود کالا، بندگان، و گاو و پول:

توبیت صفحه 564

{10:11} و خوشا به حال آنها و آنها را دور، ارسال

گفت: خدا از آسمان به شما سفر موفق،

بچه های من.

{10:12} و افتخار او را به دختر خود گفت: تو پدر

و تو مادر در قانون، که در حال حاضر تو پدر و مادر، که من

گزارش خوب تو را بشنوید. و او او را بوسید. ادنا نیز

توبیاس گفت، ارباب بهشت بازگرداندن تو عزیزم

برادر و گرانت است که ممکن است ببینم تو بچه های من

دختر سارا قبل از مرگ من، که من ممکن است قبل از شادی

پروردگارا: ببین، من دخترم تو ویژه می مرتکب

اعتماد؛ که در آن حال شیطان او را مناسب.

{11:1} ستایش پس از این چیزها Tobias راه او رفت،

خدا که او او سفر موفق نبودم و

خوشا به حال Raguel و ادنا همسرش و رفت در راه خود را تا

آنها در نزدیکی نزد Nineve کشید.

{11:2} سپس رافائل به Tobias ، گفت: تو knowest ،

برادر، چگونه تو تو پدر ترک: didst

اجازه دهید {11:3} ما رتبه عجله قبل از تو همسر، و آماده کردن خانه.

{11:4} را در دست تو صفرا ماهی پس آنها

راه خود رفت و سگ رفت و بعد از آنها.

{11:5} هم اکنون آنا به دنبال به سمت راه برای شنبه

پسرش.

{11:6} و هنگامی که او espied به وی، او را به او گفت

پدر بنگر تو آید پسر و مرد که رفت با

او.

{11:7} سپس گفت: رافائل، من، توبیاس، می دانم که تو پدر

چشم خود را باز می کند.

{11:8} بنابراین روغن مالی کردن بدن تو چشمان او با صفرا و

علاوه pricked بودن، او را مالش باید، و سپیدی

پاییز دور و او تو را مشاهده کنید باید باید.

{11:9} آنا سپس جلو زد و بر گردن او افتاد

پسر، و گفت: نزد او، دیدن من دیده تو پسر من

از پس من محتوا به مرگ هستم. و آنها هر دو. wept.

{11:10} توبیت هم رفتم جلو به سمت درب و

تصادفا: اما پسرش را نزد او زد

{11:11} و زمان انتظار پدرش: و او strake از

صفا در چشم پدران خود گفت، خوب امید پدرم باشد.

{11:12} و هنگامی که چشمان او شروع به هوشمند, او مالیده

آنها;

{11:13} و سپیدی pilled دور از گوشه و کنار

از چشمان او: و وقتی که او پسرش را دیدم او را بر گردن او افتاد.

{11:14} او wept و هنر تو ای خدا را گفت، خوبان

و پر برکت است برای همیشه نام تو. و خوشا به حال تمام thine

فرشتگان مقدس:

{11:15} تو scourged مالک و ترحم گرفته مالک

من: برای، ببین، ببینم پسر. Tobias. و پسرش رفت

شادمانند و پدرش گفت نتایج خوبی بود

او در رسانه ها اتفاق افتاد.

{11:16} سپس توبیت رفت برای دیدار با دخترش در قانون

در دروازه Nineve شادی و ستایش خدا: و آنها

چرا که او خود را دریافت کرده بود که او marvelled ، رفتن را دیدم

دید.

{11:17} اما توبیاس داد با تشکر از آنها، زیرا
خدا رحمت بر او بود. و هنگامی که او نزدیک به سارا او آمد
دختر در قانون، او پر برکت او گفت: هنر تو خوش آمدید،
دختر: خدا برکت، که آنچه آورده تو بر ما،
و تو پدر و مادر تو است. و شادی بود
در میان تمام برادران خود را که در Nineve شد.
{11:18} و Achiacharus و Nasbas پسر برادر خود را
آمد:

{11:19} و Tobias' عروسی نگه داشته شد هفت روز با
شادی بزرگ است.

{12:1} توبیت سپس نام پسرش توبیاس و گفت،
او، پسر، ببینید که مرد دستمزد خود را، که من
با تو و تو او باید بیشتر بدهد.

{12:2} و Tobias بدو گفت، ای پدر، این هیچ آسیبی گفت:

من او را به نیمی از آن چیزهایی است که من آورده اند:

{12:3} برای او من دوباره به تو در ایمنی، آورده خستگان و
همسر من تمام شده و من پول آورده و
به همین ترتیب تو را شفا داده.

{12:4} سپس پسر مرد گفت: علت نزد او است.

{12:5} پس از او به نام فرشته، و او گفت، او را

نیمی از آنچه شما به ارمغان آورده اند و برود در ایمنی.

{12:6} و سپس آنها را هر دو را از هم جدا صورت گرفت و گفت: ایشان

سرود ستایش او، و او بزرگ و سخت افزار برای

چیزهایی که او را انجام آنچه شما در نزد همه

که زندگی می کنند. خوب است به ستایش خداوند و نام او را تسبیح و

honourably به اجابت جلو آثار خدا; بنابراین نمی شود

شل کردن به.

{12:7} آن خوب به نگه داشتن راز پادشاه، اما نزدیک است

شرافتمندانه به آثار خدا را نشان می دهد است. این است که کار

شما باید لمس خوب و نه بد.

{12:8} نماز با روزه و صدقه خوب است و

عدالت. کمی با عدالت بهتر است

خیلی با ناراستی. بهتر است از دادن صدقه نسبت به

ذخیره کردن طلا:

{12:9} صدقه از مرگ ارائه doth و پاکسازی خواهد

دور از همه گناه. کسانی که ورزش صدقه و عدالت

با زندگی پر باید:

{12:10} اما آنها که گناه دشمنان به زندگی خود را.

{12:11} مطمئناً من هیچ چیز از شما نزدیک نگه دارید. برای من

گفت: آن را خوب به نگه داشتن راز پادشاه، اما نزدیک بود

شرافتمندانه به فاش کردن کار خدا بود.

{12:12} در حال حاضر، وقتی تو didst دعا رو، و سارا

تو دختر در قانون مطرح من یاد شما

نماز قبل از یک قرآن: و هنگامی که تو دفن didst

مرده، من با تو به همین ترتیب.

{12:13} و هنگامی که تو به افزایش، تاخیر didst و

شام تو مرده تو عمل خوب را پوشش و ترک

از من مخفی بود: اما من با تو بود.

{12:14} و حالا خدا می کرد، من به تو و سارا ارسال

تو دختر در قانون.

{12:15} ارفائل یکی از فرشتگان هفت مقدس من،

که نماز از پرستاران حاضر و آن را رفتن و

صفحه 565 توبیت

از قبل از شکوه یک مقدس.

{12:16} و سپس هر دو مشکل شد و سقوط کرد خود

چهره: برای آنها می ترسید.

{12:17} اما برای آن باید گفت ایشان، مترس

با شما; بنابراین ستایش خداوند.

{12:18} برای نه از هر گونه نفع من اما اراده

خدا من آمد; پس برای همیشه سخت افزار.

{12:19} همه این روزها من بر شما ظاهر نمی شود؛ اما من نه خوردن نه نوشیدن، اما شما را دیدم.

{12:20}، هم پس دادن با تشکر خدا: برای من تا او که مرا فرستاد؛ اما نوشتن همه چیز را که انجام شده است کتاب.

{12:21} و هنگامی که آنها به وجود آمد، آنها او نه بیشتر دیدم.
{12:22} سپس آنها اعتراف بزرگ و شگفت انگیز آثار خدا و فرشته خداوند چگونه ظاهر ایشان.

{13:1} توبیت سپس نماز شادی نوشت و گفت، خوبان خدا باشد که liveth برای همیشه و پر برکت را پادشاهی.

{13:2} او معضل doth، و آنچه رحمت: او آرام به جهنم پایین و دوباره بخشید: نه هر که هست دست خود را می تواند به جلوگیری از.

{13:3} اعتراف او را قبل از امتهای فرزند از اسرائیل: برای او آنچه ما را در میان آنها پراکنده.

{13:4} وجود دارد اعلام عظمت او و او قبل از extol تمام زندگی: او پروردگار ما و او خداست ما پدر برای همیشه.

{13:5} و او خواهد شد ما برای ما scourge و خواهد شد

رحمت دوباره است و ما را از همه ملت جمع

میان آنها او ما را پراکنده کرد.

{13:6} اگر شما او را با تمام قلب خود و با

تمام ذهن و معامله uprightly قبل از او، پس از آن خواهد شد

شما به نوبه خود و چهره اش را از شما پنهان است.

بنابراین آنچه او را با شما و اعتراف او را مشاهده کنید

با تمام دهان و ستایش پروردگار شکوهمند و

extol پادشاه ابدی در سرزمین من اسارت می تواند

سخت افزار و ممکن است و عظمت به گناه خود را اعلام

ملت O. شما گناهکاران، روشن و عدالت قبل از او انجام: که

اگر او خواهد شد شما را قبول، و رحمت بر شما بگویید؟

{13:7} من خدای من extol خواهد شد و باید روح من ستایش

پادشاه آسمان، و در عظمت او را شاد می خواهد.

اجازه دهید {13:8} همه مردان صحبت می کنند و اجازه دهید همه ستایش او را

برای او

عدالت.

{13:9} ای اورشلیم شهر مقدس او به تو برای scourge خواهد شد

تو بچه کار می کند و رحمت دوباره در فرزندان داشته باشد

از عادل.

{13:10} ستایش را به خداوند، برای او خوب است: و ستایش

پادشاه ابدی که خیمه او ممکن است در builded
تو را دوباره بالذت، و اجازه دهید او وجود دارد را در تو شاد
کسانی که اسیران، و در تو برای همیشه کسانی که عشق
بدبخت هستند.

{13:11} بسیاری از کشورها از دور به نام آمده
خداوند با هدیه را دارند، حتی برای هدیه
پادشاه آسمان؛ تمام نسل ها باید تو را با بزرگ ستایش
شادی.

{13:12} لعنت همه آنها که تو را از آنها بدم میاید و پر برکت است
همه باید که تو را برای همیشه دوست دارم.
{13:13} شاد و خوشحال برای کودکان از عادل:
آنها باید با هم جمع شده بودند و خداوند برکت باید
از تنها.

{13:14} ای خوشا آنها که تو را دوست دارد برای کنند.
شادی در تو صلح: خوشا به حال آنها که
sorrowful برای همه scourges تو؛ برای آنها باید شادی تو،
هنگامی که آنها تمام شکوه و عظمت تو را دیده اند و برای همیشه خوشحالم خواهد
بود.

{13:15} روح من پاینده شاه بزرگ اجازه.
{13:16} برای بیت المقدس باید ساخته شود با یاقوت کبود
و زمرد و سنگ های گرانبها: تو دیوار و برج و

battlements با طلای خالص.

{13:17} و خیابان اورشلیم باید با هموار

بریل و carbuncle و سنگ از Ophir.

{13:18} و تمام خیابان ها خود باید گفت، Alleluia و آنها

باید سخت افزار، خدا که آنچه می شود گفت، خوبان

برای همیشه extolled.

{14:1} توبیت تا پایان یزدان ساخته شده.

{14:2} و او پنجاه و هشت ساله هنگامی که او را از دست داده بود

او دید که پس از هشت سال به او برگردانده شده است: و

او صدقه داد و او را در ترس از خدا افزایش یافته

و او را ستود.

{14:3} و خیلی ساله شد او را به نام پسر او و

فرزندان پسر او را گفت: او پسر من و تو

کودکان; اینک،، من ساله هستم و آماده برای ترک کردن

از این زندگی.

برو برای من مطمئنا کسانی را باور {14:4} به رسانه من پسر

چیزهایی که جوناس spake حضرت Nineve که باید به آن

سرنگون شود; و که برای صلح زمان نه در

رسانه ها؛ و که دروغ باید به برادران ما را در زمین پراکنده

از آن زمین خوب: و بیت المقدس خواهد بود حزن آور و غمزده، و

خانه خدا در آن می سوخته و نخواهد

برای زمان;

{14:5} و که دوباره خدا رحمت بر آنان داشته باشند و

آنها دوباره را به زمین که در آن آنها خواهد ساخت
معبد، اما اولین، تا زمانی که زمان آن عصر باشد دوست
برآورده؛ و بعد از آن باید آنها را از همه جا از بازگشت
اسارت خود را و ساخت تا بیت المقدس شکوه خاصی، و
خانه خدا در آن برای همیشه با شکوه ساخته شود باید
ساختمان به عنوان پیامبران به آن سخن گفته اند.

{14:6} و همه ملت باید به نوبه خود، و ترس از خدا

واقعا، و بت های خود را دفن می باید.

{14:7} پس همه ملل باید ستایش خداوند و مردم خود را

خدا، و پروردگار خود را تسبیح باید اعتراف باید؛ و
باید تمام کسانی که خدا در حقیقت و عدالت را دوست دارم
شادی shewing رحمت به برادران ما.

{14:8} و در حال حاضر، پسر، ترک از Nineve، چون

که آن چیزهایی است که باید spake جوناس پیامبر قطعا
آمدن به تصویب است.

توبیت صفحه 566

{14:9} اما تو حفظ قانون و فرمان و

اجابت خودت مهربان و تنها که آن را با تو رفتن ممکن است.

{14:10} و من آبرومندانه، دفن و مادر تو با من;

اما دیگر در Nineve tarry پسر من را چگونه یاد،

امان Achiacharus که او تا چگونه از رفتار

نور او او را به تاریکی و چگونه به او پاداش آورده

او دوباره: هنوز Achiacharus را نجات داد اما دیگر به او بود

پاداش: برای او را به تاریکی رفت. داد Manasses

صدقه، و snares مرگ است که آنها تا به حال برای فرار

او: اما امان به کمند افتاد و جان باختند.

{14:11} پس حالا پسر من در نظر آنچه صدقه

doeth، و چگونه از عدالت را ارائه doth. زمانی که او تا به حال

گفت این چیزها او داد تا روح در بستر بودن

صد و هشت و پنجاه ساله; و او در او مدفون

honourably.

{14:12} و هنگامی که آن مادرش مرده بود، او به خاک سپرده شد

او با پدرش. اما توبیاس رفتگان با همسرش و

کودکان به Ecbatane به Raguel پدر در قانون

{14:13} که در آن او با افتخار شد و او به خاک سپرده شد

او پدر و مادر در قانون honourably و او را به ارث برده

آنها و توبیت پدر خود را.

{14:14} و درگذشت او را در Ecbatane در رسانه ها، حال
صد و هفت و بیست سال سن.

{14:15} اما پیش از مرگ او را شنید از تخریب
Nineve که توسط Nabuchodonosor گرفته شده است و
Assuerus: و قبل از مرگ او او خشنود بیش از Nineve.

کتاب کاذبه

توبیت کتاب مقدس شاه جیمز 1611

www.Scriptural-Truth.com